

• ماری اتکینسون • گری هورن بی

بهداشت روانی در مدارس



• محمد رضا فریدی

• دکتر اکبر رهنما

(عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد)



اتکینسون، مری، ۱۹۵۴ - م
بهداشت روانی در مدارس / تالیف ماری اتکینسون، گری هورنبی؛ ترجمه اکبر رهنما،
محمد فریدی. -- تهران: آبیژ، ۱۳۸۲.
۱۲، ۳۲۴ ص.

ISBN: 964-8397-31-7

Mental health handbook for schools, c2002.

عنوان اصلی:

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. کودکان -- بهداشت روانی -- دستنامه‌ها. ۲. نوجوانان -- بهداشت روانی --
دستنامه‌ها. ۳. شاگردان -- خدمات بهداشت روانی -- دستنامه‌ها. الف. هورن بای، گری،
Hoernby, Garry، ب. رهنما، اکبر، مترجم. ج. فریدی، محمد، مترجم. د. عنوان.

۶۱۸/۹۲۸۹

RC ۴۵۴/۴/الف

۱۳۸۲

م ۸۲-۴۱۰۷۲

کتابخانه ملی ایران



نام کتاب: بهداشت روانی در مدارس

تالیف: ماری اتکینسون و گری هورنبی

مترجم: دکتر اکبر رهنما، محمد فریدی

ناشر: آبیژ

نوبت و تاریخ چاپ: اول - بهار ۱۳۸۴

قطع: وزیری

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۳۳۶

شابک: ۹۶۴۸۳۹۷۳۱۰۷

● مراکز پخش

کتابیران. خیابان لبافی‌نژاد غربی، بعد از چهارراه کارگر، جنب فروشگاه شیلات، پلاک ۲۳۷،

تلفن: ۶۹۲۶۶۸۷-۶۴۲۳۴۱۶

نوپردازان. خیابان لبافی‌نژاد، بین اردیبهشت و فروردین، پلاک ۲۰۶،

تلفن: ۶۴۹۴۴۰۹-۶۴۱۱۱۷۳

تقدیم به:

نگین، آذین، فاطمه و هنگامه

فرزندانمان

مقدمه مترجمان

مدارس نقش مهمی در پیشبرد امر بهداشت روانی در سطح جامعه دارند. معلمان و مربیان به عنوان عناصر کلیدی آموزش و پرورش در انجام وظایف آموزشی و پرورشی اگر با نیازهای مختلف جسمانی، روانی و اجتماعی شاگردان آشنایی داشته و از نکات اساسی مربوط به برخورد مناسب با کودکان و نوجوانان سر کلاس درس و محیط مدرسه، آگاهی داشته باشند، بهتر می‌توانند آنان را در جهت ثلث آمدن به پیشرفت تحصیلی و در نهایت کسب یک شخصیت اخلاقی استوار یاری نمایند.

در مدارس به علت تأکید بیش از اندازه بر آموزش‌های نظری و انباشت حافظه از محفوظات مختلف، مجال کمتری به معلمان و مدیران داده می‌شود که به نیازهای مختلف کودکان و نوجوانان توجه بایسته‌ای صورت گیرد، در صورتی که نیازهای ایمنی (احساس اطمینان)، نیاز به تعلق و دوست داشتن و حتی نیازهای فیزیولوژیک شاگرد باید به صورت مناسب ارضا گردد تا در وی خودپنداره مثبت و عزت نفس بالا حاصل گردد و بدون توجه به این عوامل، دانستنی‌ها و محفوظات هیچگونه کارکرد مفید و مؤثری نخواهند داشت. این نکته زمانی آشکارتر می‌شود که توجه داشته باشیم پرورش شخصیت اخلاقی به عنوان یک هدف غائی در تعلیم و تربیت، مطرح است و رسیدن به آن پایه، مستلزم توجه به نیازهای روان‌شناختی و اصول بهداشت روانی شاگردان در مدارس است.

کتاب حاضر در راستای این هدف توسط دو تن از افراد معروف حوزه بهداشت روانی، با دیدگاه تربیتی نگاشته شده است. ویژگی بارز آن این است که در ابتدا به انواع مشکلات شایع بهداشت روانی در بین دانش‌آموزان اشاره شده، سپس نقش و وظیفه معلمان و به طور کلی مدرسه در پیشگیری و کمک به درمان مشکلات مطروحه با استفاده از «مطالعه موردی» تشریح شده است.

با توجه به این که مدارس ما امروزه با برخورداری از حدود ۲۰ میلیون جمعیت دانش‌آموزی

در مقاطع مختلف تحصیلی، مناسب‌ترین بستر پیشگیری از اختلالات روان‌شناختی هستند و می‌توانند در آموزش اصول بهداشت روانی مؤثر واقع گردند. این کتاب می‌تواند در این جهت نیز کمک کار مدیران مدارس، معلمان و مشاوران باشد. مطالعه کتاب اثر حاضر برای دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، مددکاری اجتماعی و مشاوره و راهنمایی و سایر رشته‌های مرتبط توصیه می‌گردد. امید می‌رود ترجمه و کمک به نشر و گسترش چنین آثاری در جهت بسط و بهبود خدمات بهداشت روانی در مدارس و کل جامعه مفید و مؤثر واقع گردد.

دکتر اکبر رهنما

محمدرضا فریدی

مدارس بخشی چنان معمولی از زندگی روزمره ما است که به راحتی نسبت به نقش استثنائی و خارق‌العاده آن بی‌توجه هستیم. از آنجا که وظیفهٔ نیکبختی و رفاه جوانان به طور ضمنی به عهده آنها گذاشته شده است، آنان ملزم هستند که از عهدهٔ وظیفهٔ دشوار غنی‌سازی، باروری و تعلیم و تربیت اذهان گروه‌های انسانی بسیار متفاوت برآیند. مدارس اولین و مهم‌ترین مکان یادگیری هستند که در آنجا لیاقت‌ها و توانایی‌ها به بار می‌نشیند و پیشرفت‌های علمی حاصل می‌شود، اما در عین حال مدارس مکان‌های حفظ ایمنی، مراقبت، و ترغیب ایجاد تندرستی و اعتماد به نفسی هستند که لازمهٔ استقلال در بزرگسالی است. مدارس وظایف مهم و متعددی برای تحقق انواع گوناگون و بسیار نیازها در طیف وسیع کودکان و نوجوانان به عهده دارند: در یکی از بخشنامه‌های سال ۱۹۹۴ وزارت آموزش و پرورش معروف به دانش‌آموزان مشکل‌دار^(۲)، منتشر گردید، این نکته تصریح شده است که «مدارس در پیشبرد رشد معنوی، فرهنگی، روانی و جسمانی جوانان نقشی حیاتی دارند. بهبود هیجانی کودکان باید دغدغهٔ همیشگی جریان معمول آموزش و پرورش باشد». در سال‌های اخیر همین وزارتخانه طی یک سند مشورتی به نام مدارس بنای مبتنی بر موفقیت^(۳) بر اهمیت «آموزش مبتنی بر شخصیت در مدارس» تأکید کرده است. در این سند از جمله بر این نکته تأکید شده است که مدارس باید به دانش‌آموزان این فرصت را بدهند که به افراد کارآزموده، خلاق و متکی به خود بدل شوند که سیره راه از ناسیره تشخیص دهند، بتوانند به صورت گروهی کار کنند، به همقطاران خود با هر سابقه و پیشینه‌ای احترام بگذارند و بتوانند از آموخته‌های خود بهره‌کافی بگیرند... مانند همه ما هم این نکات را توصیه می‌کنیم، ولی باید این راه به یاد داشته باشیم که انجام همه این موارد به چه کار شاق و توقع بی‌جایی می‌انجامد، و معلمان مدارس برای برآوردن چنین بلندپروازی‌های بزرگ باید چقدر آموزش ببینند و تا چه حد، به شدت حمایت شوند. جوهر این کتاب توجه عمیق به این نیاز و شناسایی کامل تمام ابعاد مسئولیتی است که معلمان برای ارتقای بهداشت روانی و نیز تعلیم و تربیت دانش‌آموزان خود به عهده دارند.

«بهداشت روانی» و «تعلیم و تربیت» واژه‌ها و مفاهیمی هستند که در گذر زمان کمتر همنشین راحتی برای یکدیگر بوده‌اند. واژه «روانی» در تصور عامه یادآور بلافاصله دیوانگی و جنون‌دار است که تماماً وحشت، از خود بی‌خود بودن، از خود گسستگی و بی‌آبرویی با خود به همراه دارد. واژه «تعلیم و تربیت» گیرایی مطلوب‌تری دارد؛ ولی از نظر بسیاری، زود به محافل

علمی راه می‌یابد و ربط کمتری به «بهداشت و سلامتی» دارد. امروزه تا حد زیادی به خاطر سابقه و پیشینه، بین عامل احساس و خردورزی در ذهن ما، تمایز واضحی به وجود آمده است و بین آموزش (فعالیت تربیتی) و مشغله ذهنی کسانی که در دنیای جداگانه‌ای در مدارس و مراکز بهداشت روانی حضور دارند، تفاوت گذاشته می‌شود. شاید بسیاری از این تفاوت‌ها در گذشته لازم بوده‌اند، ولی در حال حاضر به نظر غیرمفید می‌آیند و تنها یکی یا دو حقیقت ساده را مبهم می‌کنند که در صورت اعتقاد به آنها، ارزش بیش از اندازه‌ای در رشد کودک خواهند داشت. به عنوان مثال، در فرایند آموزش است که بهداشت جسمانی و روانی ارتقا پیدا می‌کند؛ در عین حال با توجه به سلامت جسمانی و روانی است که بر توان یادگیری افراد افزوده می‌شود.

مری اتکینسون^(۱) و گری هورنبی^(۲) با همین یگانگی و یکپارچگی ذهنی بود که این کتاب مهم و نوآور را نگاشتند. آنها به خوبی معنای سلامت روانی را فهمیده‌اند زیرا سلامتی معنایی به مراتب بیشتر از بیمار نبودن دارد - و نقش بی‌همتا و محوری معلمان را در پیشبرد بهداشت روانی کلی مدارس و پیشگیری از بروز مشکلات روانی و نحوه برخورد با آن در صورت بروز، تشخیص داده‌اند. البته مؤلفان نمی‌گویند که معلمان به درمانگران و یا شبه روانپزشکانی مبدل شوند و به هدف اصلی خود که آموزشی است بی‌توجه باشند. با این حال، آنان نقش مهمی را روشن می‌نمایند که معلمان می‌توانند به واسطه شناخت روزانه خود از دانش آموزان، به واسطه روش‌های همزیستی و پاسخدهی خود و نیز از طریق به کارگیری تجربه، تبحر و آشنایی صرف و دسترسی داشتن خود می‌توانند در جهت ارتقاء سلامت عاطفی و اجتماعی دانش آموزان داشته باشند.

این کتاب با ارائه راهنمایی مسنجم و جامع، اقتضای مشارکت در این روند را دارد. راهنمایی که معلمان را قادر می‌سازد فارغ از شکل و اندازه ذهن کودکان و نوجوانان، و بدون در نظر گرفتن پیشینه متفاوت خانوادگی و اجتماعی آنان با انواع توقع‌ها، استعدادها و توانایی‌ها، از پیچیدگی خارق‌العاده چنین افرادی که با آنان روبرو می‌شوند، بهتر درک کنند. این راهنما به معلمان کمک می‌کند تا موقعیت خود را بشناسند، از برداشت‌های خود بهتر استفاده کنند و درباره مشکلاتی که با آنها برخورد می‌کنند، قضاوت بهتری داشته باشند. در عین حال، آنها را به دانشی مجهز می‌کند که تصمیمات مؤثرتر و مناسب‌تری بگیرند و بدانند که چگونه کودکان مبتلا به انواع اختلال‌های ذهنی و یا دارای نیازهای خاص را، آموزش دهند و به سرعت والدین و سایر افراد را از مشکلات آینده کودکان باخبر کنند و بتوانند افراد مددجو را برای دریافت کمک‌های بیشتر به مراکز دیگر معرفی کنند.

ارزش این کتاب در جمع آوردن جزئیات خاص و کلیات عام به صورتی حاضر و آماده است. کتاب حاضر از نظر وارد کردن شرح جامع و مفصل شکل‌های مختلف اختلالات روانی - با زبان و بیان رسمی روانپزشکی - به قلمروی آموزش و پرورش بسیار روشن و واضح است. این

اقدامی شجاعانه است که بین دو قلمروی آموزش و پرورش، و روانشناسی ارتباط برقرار می‌کند، و اگر قرار است که معلمان از تمایز علائم و رفتار کودکانی که با آنها روبرو می‌شوند و انواع مختلف شخصیت‌ها و مشکلات دارند سر درآورند، کاری بس ضروری است. در عین حال، این کتاب زمینه‌ای را که در آن این اختلال‌ها و مشکلات رخ می‌دهند و در آن معلمان، والدین و دیگر افراد می‌توانند در کنار هم بکوشند، حفظ می‌کند. مدرسه در ایجاد اجتماعی از افراد که در آن همه افراد چه پیر و چه جوان، احساس احترام و تشویق بکنند، اختلافاتشان را به خوشرویی پذیرا باشند و مشکلاتشان را بشناسند، توان بسیاری دارد؛ توانی بالقوه که از طریق سرشت مدرسه، سیاست‌های کلی فراگیرنده آن، امکانات پرورشی، و مدیریت کلاس‌ها حاصل می‌شود. اغلب این نکات در خوش‌بینی واقع‌گرایانه، نوشته و تفکر روشن و احساس تلاش مستمر در این کتاب حاصل شده است. کتاب حاضر استاندارد برقرار می‌کند، و برای رسیدن به آن استاندارد راهنمای ارزشمندی ارائه می‌نماید که در ارتقای کیفیت زندگی مدارس و افزایش توان معلمینی که به هر حال در رشد افکار کودکان ما نقش بارزی دارند، بیشترین فایده را به بار می‌آورد.

مقدمه

فکر نوشتن این کتاب از تجربه شخصی ما ناشی شد که طی آن برای پرداختن به نیازهای کودکان و نوجوانانی که دچار مشکلات روانی بودند، به معلمان مدارس کمک می‌کردیم. از یک طرف، مؤلف اول کتاب حاضر، معلمی در یک مرکز بهداشت روانی کودکان و نوجوانان بود که درباره بازگرداندن دانش‌آموزان به مدرسه، به معلمان عادی توصیه‌هایی می‌کرد. از طرف دیگر، مؤلف دوم کتاب، به عنوان یک روانشناس تربیتی درباره نحوه رفتار معلمان با دانش‌آموزانی که مشکلات رفتاری و هیجانی (عاطفی) داشتند، معلمان را راهنمایی می‌کرد.

به علاوه، تجربیاتی که در همان اولین روزهای حرفه معلمی خود به دست آوردیم، ما را به این باور رساند که بسیاری از معلمان عادی درباره مشکلات بهداشت روانی کودکان آگاهی ندارند، و حتی معلمان باتجربه هم نمی‌دانستند که در برخورد با کودکان مشکل‌دار، به چه اقدامی دست بزنند. بی‌دانشی مؤلف دوم زمانی مشخص شد که او در کلاس با کودکانی کار می‌کرد که در یادگیری مشکل داشتند، و با دانش‌آموزی روبرو شد که علائم اسکیزوفرنی پیشرفته را نشان می‌داد ولی او نمی‌دانست که چگونه به این دانش‌آموز کمک کند. در مسیر تجربه و تدریس خود از وجود دانش‌آموزان بسیاری باخبر شدیم که نیازهای عاطفی و رفتاری آنها تنها بدین خاطر برآورده نشده بود که معلمان آنها فاقد اطلاعات، درک و مهارت‌های لازم بودند. در این شرایط آنها از روشی که در برخورد با این کودکان در پیش گرفته بودند، مطمئن نبودند و نگران بودند که مبادا مشکلات این کودکان را بیشتر کنند. این حقیقت هم که متخصصان روانی اغلب اشتیاقی به تعامل اطلاعات با معلمان نداشتند یا آن که نمی‌خواستند محدودیت‌هایی را بپذیرند که معلمان در کار با این کودکان در محیط مدرسه معمولی دارند، کمکی به آنها نمی‌کرد. مشخص بود که معلمان باید از مشکلات روانی این کودکان و راهبردهای بالقوه مقابله با این مشکلات اطلاعات و آگاهی بیشتری پیدا کنند. تجربه و تعلیم ما، این عقیده را در ما به وجود آورد که اگر معلمان از مشکلات روانی رو در روی خود درک و دانش بیشتری داشته باشند، می‌توانند کارهای زیادی برای سلامت روانی کودکان انجام دهند.

پیام اصلی این کتاب امیدواری و کمک‌کردن است، اگرچه همه کودکان از اختلال‌های جدی روانی کاملاً بهبود پیدا نمی‌کنند، اما به قول کلارک^(۱) (۱۹۷۰:۲۰۰) در بازنگری شواهد پژوهشی اثرات بلندمدت تجربیات قدیمی: هیچ وضعیت بغرنجی وجود ندارد که حداقل برخی کودکان از آن بهبود نیافته باشند، اگر اقدامی در جهت بهتر شدن انجام شده باشد. از این رو، با وجود شرایط نامطلوب، برای بسیاری از کودکان جای امیدواری زیادی وجود دارد و باز به قول آنها: کل مسیر زندگی، و از جمله سال‌های اولیه بسیار مهم است. برای کمک به کودکانی که مشکلات

روانی دارند هرگز دیر نیست و فرقی نمی‌کند که علائم آنها چقدر جدی باشد و وضعیت آنها چقدر بغرنج و دشوار به نظر آید. این وضعیت اندوهبار در کتاب پرفروش «کودکی آن را صدا کرد»^(۱) نوشته دیو پلزر^(۲) (۲۰۰۰) به تصویر کشیده شده است. «دیو» علی‌رغم گذراندن وقایع دهشتناکی چون کودک آزاری و بی‌توجهی در سراسر دوران کودکی‌اش، توانست یک زندگی شاد و رضایت‌بخشی را در پیش بگیرد. اگرچه این روند تا حدی به قدرت و بهبودپذیری او مربوط می‌شد، ولی نقش اساسی معلمان او در این حیات مجدد با این واقعیت تأیید می‌شود که او کتابش را به معلمان خود تقدیم کرده است.

از مدت‌ها قبل به نظر می‌رسید جای کتابی که بین بهداشت روانی و تعلیم و تربیت ارتباطی را برقرار سازد، خالی است. هدف ما در نگارش این کتاب موارد زیر بود:

- معلمان را متوجه اهمیت بهداشت (سلامت) روانی کودکان و نوجوانان کنیم و نشان دهیم که بهداشت روانی چگونه بر توان یادگیری تأثیر می‌گذارد و ارتباط بین سلامت روانی و نیازهای آموزشی خاص چگونه است.
- بر دانش معلمان از مشکلات و اختلال‌های روانی که با آنها مواجه می‌شوند، بیافزاییم؛ معیارهایی را ارائه کنیم که این مشکلات و اختلال‌ها شناخته شوند و استراتژی‌هایی را که برای مقابله با آنها به کار گرفته می‌شوند، مطرح کنیم.
- معلمان را با انواع استراتژی‌هایی که هدف آنها پیشگیری از مشکلات روانی است، آشنا کنیم.
- آنان را با نحوه برقراری ارتباط بین مراکز خدمات بهداشت روانی کودک و نوجوان و مدارس بیشتر آشنا کنیم و به آنها بگوئیم که چگونه این مراکز یادشده و مدارس می‌توانند با همکاری یکدیگر به نیازهای روانی کودکان و نوجوانان بپردازند.

پیش‌بینی می‌شود که این کتاب بتواند برای معلمان شاغل در زمان رویارویی با مشکلات روانی راهنمای سودمند باشد و آنها را از جوانب کلی رشد فراگیرندهٔ مدرسه چه از نظر خط‌مشی و چه از نظر اجرا مطلع کند. به علاوه کتاب حاضر می‌تواند کمک حال متخصصانی باشد که از معلمان و دانش‌آموزان دچار مشکلات رفتاری و هیجانی پشتیبانی می‌کنند، مثل هماهنگ‌کننده‌های نیازهای آموزشی خاص، روان‌شناسان تربیتی، مسئولین رفاه تحصیلی و معلمان حمایت‌کننده از رفتار و سرانجام، این کتاب می‌تواند برای دانشجویان فوق‌لیسانس علوم تربیتی یک منبع مفید محسوب شود. کتاب به چهار بخش تقسیم شده است:

بخش اول یک بخش مقدماتی است. فصل اول این بخش مقدمه‌ای کلی درباره مشکلات روانی کودکان است. در فصل دوم بر روی تمایز بین رشد بهنجار و نابهنجار کودک، به‌خصوص از

نظر رشد هیجانی (عاطفی)، نظریه‌های بهداشت روانی و سیستم‌های طبقه‌بندی تأکید شده است. هر دو فصل به عنوان زمینه‌ای برای مباحث بعدی درباره مشکلات روانی مهم هستند.

بخش دوم شرح مفصل از شایع‌ترین مشکلات روانی کودکان و نوجوانان است که احتمال دارد معلمان با آنها رو در رو شوند. تصمیم در این باره که باید چه مسائلی را در این کتاب در نظر گرفت و چه مسائلی را کنار گذاشت، اصولاً بر اساس تجربه شخصی مؤلفان از کودکان و نوجوانانی است که در مدارس عادی دیده‌اند. در این بخش، هر فصل به دو قسمت تقسیم می‌شود. در قسمت اول اطلاعات جاری درباره تشخیص، مشخصات شیوع، علل، درمان و پیامدهای بیماری به اختصار بیان می‌شود. بخش دوم هر فصل درباره استراتژی‌هایی بحث می‌کند که معلمان می‌توانند برای پیشگیری، تشخیص زودهنگام و اقدام به نفع دانش‌آموزان مبتلا به اختلال به کار ببرند.

در بخش سوم از شرایط خاصی بحث شده که رویارویی دانش‌آموزان با آنها احتمالاً می‌تواند به مشکلات روانی در آنها منجر شود. باز هم در قسمت اول هر فصل به اطلاعات جاری درباره تعریف، مشخصات، شیوع، تأثیر، علل، درمان و پیامدهای بیماری می‌پردازیم. در قسمت دوم هر فصل روش‌هایی بیان می‌شوند که معلمان با استفاده از آنها می‌توانند به تخفیف مشکلات ناشی از این شرایط و نحوه برخورد با آنها برای پیشگیری از مشکلات جدی‌تر روانی بپردازند.

بخش چهارم درباره مراکز خدمات بهداشت روانی کودکان و پیشگیری از بروز مشکلات روانی در آنها است. در فصل ماقبل آخر، اطلاعاتی درباره مراکز خدمات بهداشت روانی کودکان و نوجوانان ارائه می‌شود و از نکاتی بحث می‌شود که احتمال دارد ضمن همکاری معلمان و متخصصان بهداشت روانی مطرح شود. در فصل آخر هم رهیافتی فراگیرنده مدرسه درباره پیشبرد بهداشت روانی در مدارس به‌طور مفصل بحث می‌شود و نقش معلمان در این باره مورد بحث قرار می‌گیرد.

فهرست

صفحه

عنوان

بخش ۱

زمینه بهداشت روانی

فصل ۱- مقدمه.....	۳
فصل ۲- رشد بهنجار و نابهنجار.....	۱۵

بخش ۲

اختلال‌های بهداشت روانی معین

فصل ۳- اختلال سلوک.....	۳۷
فصل ۴- اختلال نقص توجه بیش‌فعالی.....	۵۲
فصل ۵- اختلال خوردن.....	۶۷
فصل ۶- اختلال اضطرابی.....	۸۲
فصل ۷- سوء مصرف مواد.....	۹۹
فصل ۸- افسردگی.....	۱۱۶
فصل ۹- رفتار خودکشی‌گرایانه و خودآزاری تعمّدی.....	۱۲۹
فصل ۱۰- بی‌اختیاری در دفع ادرار و مدفوع.....	۱۴۵
فصل ۱۱- روان‌رنجوری و سواس فکری - عملی.....	۱۵۹
فصل ۱۲- اسکیزوفرنی.....	۱۷۱
فصل ۱۳- درخودماندگی.....	۱۸۶
فصل ۱۴- نیازهای آموزشی خاص.....	۲۰۱

بخش ۳

واکنش‌های روانی در برابر وضعیت‌های نامطلوب

فصل ۱۵- زورگویی و قلدری.....	۲۱۷
فصل ۱۶- جدایی والدین و طلاق.....	۲۳۲
فصل ۱۷- داغ‌دیدگی.....	۲۴۵
فصل ۱۸- کودک‌آزاری و بی‌توجهی.....	۲۶۱
فصل ۱۹- فشار روانی پس‌آسیبی.....	۲۷۷

بخش ۴

ارتقاء بهداشت روانی و افزایش خدمات به کودکان

فصل ۲۰- مراکز خدمات بهداشت روانی برای کودکان و نوجوانان.....	۲۸۳
فصل ۲۱- پیشبرد بهداشت روانی در مدارس.....	۳۰۵